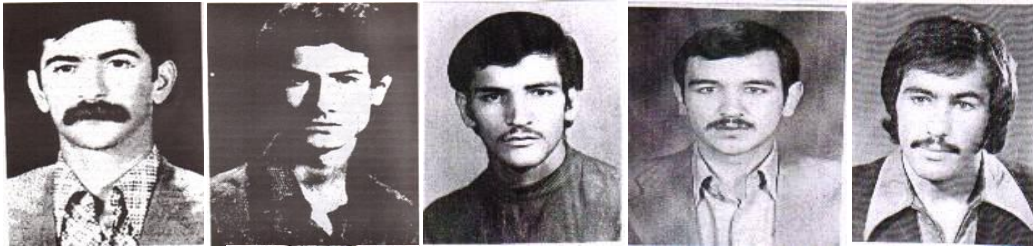


سی سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت

ما آن شقایقیم که با داغ زاده ایم.....

"زنده آنهائید که پیکار می کنند، آنها که جان و تنش از عزمی راسخ آکنده است، آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند. آنها که اندیشمند به سوی هدفی عالی راه می سپرند و روز و شب، پیوسته در خیال خویش یا وظیفه‌ای مقدس دارند، یا عشق بزرگ".... (ویکتور هوگو)

رفیق رضا محمد پور رفیق نادر رازی رفیق مسعود نانبیان رفیق داریوش انصاری رفیق جانبرار روحی



رفیق اصغر پهلوان رفیق مهدی شیر خدا رفیق منوچهر تهرانی رفیق ابراهیم دادجو رفیق بهرام رازی

قهرمانی، درخشانترین تجلیات روح انسانی است که بدون شک از طبیعت انسانهایی مایه میگیرد که از تعلق خویش به توده‌های خلق و از تعلق خویش به جامعه انسانی و ایده‌آلهای با شکوه آن اهمیت قائلند. از اینرو آگاهانه تمام نیروی خویش را که از قدرت لایزال خلق مایه میگیرد وقف مبارزه در این راه آرمان نموده و به قهرمانان فناپذیر تاریخ مبدل میشوند. رفقا رضا محمد پور، نادر رازی، بهرام رازی، اصغر پهلوان، مسعود نانبیان، داریوش انصاری، جانبرار روحی، مهدی شیر خدا، منوچهر تهرانی و رفیق ابراهیم دادجو از جمله این قهرمانان تاریخند که ایستاده جان دادند و درمقابل ارتجاع سر فرود نیاوردند. سردارانی از ارتش پرولتاریای ایران که در مرگ خویش زندگی نسلهای متوالی زحمتکشان از بردگان دوران باستان و پرولتاریای مدرن گرفته تا زحمتکشان آزاد دنیای فردا را در نور دیده به ابدیت، به دورترین نقاط فراروی تاریخ پیوسته اند.

این رفقا در سی سال پیش، در تابستان ۱۳۶۰ به جرم دفاع از کارگران و زحمتکشان و آرمان کمونیستی و عضویت در حزب پرولتاریای ایران حزب کار ایران (توفان) تیرباران شدند و امروز در میان ما نیستند و خیلی زود، زودتر از آنچه به تصور آید ما را ترک کردند. اما مرگ آنها با مرگ عادی آنچنان که همه به آن دچار میشوند، تفاوت بسیار داشت. آنها در اوج سلامتی جسمی و فکری، و بر قله رفیع شکوفایی تن و جان، آمرانه مرگ را فراخواندند تا امریت مطلق العنان آن را در هم شکنند. آنها به مرگ زود رس دچار نگشتند، بلکه در آنزمان که پاسداری از آرمان زندگی، زندگی انسانی، "برای انسان زحمتکش" جز با مرگ آگاهانه و ارادی ممکن نبود، مردند تا این آرمان و امیدهای مربوط به آن را زنده نگاه دارند. اگر تاریخ باستانی مردم با داشتن یک آرش تیرانداز بر خود میبالد. تاریخ فردای این مردم به لشگرهایی تمام و کمال از آرشهای خویش خواهد بالید. سردارانی چون حاج علی دوافروش، اسدالله غفارزاده، حیدر عمواغلی، حجازی کارگر چاپخانه، ارانی، روزبه، آوانسیان، قاسمی، بابا پورسعدت، قدرت فاضلی که همچون ستارگانی در آسمان انقلاب ایران درخشیدند و زندگی و الای خویش را آگاهانه فدا نمودند. کسانی که برای آرمانهای کمونیسم جان باختند.

رژیم فاشیستی سرمایه داری جمهوری اسلامی با گلوله بارانهای خویش آنها را از میان ما برد، اما ما بار دیگر رفقا جانبرار روحی، مسعود نائیبیان، نادر رازی، داریوش انصاری، ابراهیم دادجو، مهدی شیرخدا، منوچهر تهرانی، رضا محمدی، بهرام رازی، اصغر پهلوان... را در میان کارگران و زحمتکشان ایران، معدنچیان شیلی، مردم زحمتکش بولیوی، ملت قهرمان فلسطین بازیافته و صدای آنها را از خلال غریو رعد آسایی که خبر از توفانهای بنیان کن در آینده میدهد، میشنویم. آنها در وجود آن "شبحی" که به "گشت و گذار" در جهان مشغول است، فنا ناپذیر شده اند. شبح کمونیسم.

خاطره رفقای جانباخته، جانبرار روحی، مسعود نائیبیان، داریوش انصاری، ابراهیم دادجو، مهدی شیرخدا، منوچهر تهرانی، رضا محمدی و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم را به سلاحی تبدیل کنیم و با آن قلب قاتلانیشان را نشانه رویم. با امید و آرزوی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم در ایران یاد این رفقا را گرامی میداریم.

یاد همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

نقل از توفان الکترونیکی شماره ۶۲ نشریه الکترونیکی حزب کار ایران شهریور ۱۳۹۰

www.toufan.org